

## کیفیت ادراک معنای فضا با دریافت نور روز\*

مهندس سمیه صدری کیا\*\*، دکتر محمدرضا بمانیان\*\*\*، دکتر مجتبی انصاری\*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۶/۰۵

### چکیده

نور انواع و درجاتی دارد که سبب پیدایش مفاهیم مستتر در فضا می‌شود. در متون دینی، نور در مفهومی متعالی یاد شده است. ماهیت چندجانبه این عنصر، ضرورت توجه به ابعاد مادی و معنایی را آشکار می‌سازد. هدف این پژوهش تبیین چگونگی ایجاد کیفیت معنایی فضا با بهره‌گیری از نور است. در این تحقیق که از نوع کیفی و به روش استدلال منطقی انجام گرفته؛ چهارچوبی برای مراتب رسیدن از کالبد به معنا پیشنهاد شده است که اساس آن، منتج از برداشتی مفهومی فضایی، از تفسیر نور در کلام الهی بوده و از روایتی از حضرت علی (ع) درباره نحوه ادراک، به عنوان ابزار تحلیل و تطبیق، بهره برده است تا در نهایت با تبیین مدلی از فرایند ادراک معنا در سطوح و مراتب مختلف، پاسخی به نحوه دستیابی به نور معنوی با بهره‌گیری از نور حسی، بر اساس مبانی اسلام باشد. چهارچوب پیشنهادی، علاوه بر کم کردن فاصله میان مفهوم متعالی نور و معنا بخشی آن در فضای معماری؛ پاسخی به نحوه ادراک معنای فضا، است.

### واژه‌های کلیدی

نور روز، معنا، ادراک، فضا

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری سمیه صدری کیا با عنوان (کیفیت معنایی نور روز در فضای معماری) است که با راهنمایی دکتر محمدرضا بمانیان و مشاوره دکتر مجتبی انصاری در دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.  
\*\* دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: somayeh.sadrykia@modares.ac.ir

\*\*\* استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: bemanian@modares.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: ansari\_m@modares.ac.ir

## مقدمه

در ابتدا مصادیق نور در کتاب الهی را مورد بررسی قرار می‌دهد تا انواع و درجات نور استخراج شود، سپس بامطالعه معنا و مراتب ادراک آن، تلاش می‌شود تا با انطباق و تناظر بخشی میان درجات نور با روش‌های دریافت معنای فضا، مشخص شود که هر کدام از درجات مختلف نور با کدام یک از مراتب معنا ادراک می‌شوند و بر این اساس در نهایت چهار چوبی مدون برای کیفیت این ادراک پیشنهاد می‌شود.

## پیشینه پژوهش

درباره موضوعات مهم این تحقیق یعنی «معنا» و «نور» در حوزه معماری، مطالعات اندکی تاکنون انجام شده است. درباره معنا در برخی از تحقیقات انجام شده به خاستگاه معنای اثر پرداخته شده است و بامطالعه تطبیقی دیدگاه‌های مختلف در خصوص چیستی و دامنه معنایی آثار، آن را در هستی‌شناسی اسلامی تبیین کرده‌اند و در نهایت ادراک آن را متأثر از مؤلفه‌های نسبی و اعتباری برشمرده‌اند (رئییسی و نقره‌کار، ۱۳۹۴). در بررسی معنا در معماری، به خصوص در سیر حکمت ایرانی که هدف اصلی آن شناخت حقیقت و معرفت به ذات حق است، درک معنا با معنویت همسان فرض شده است که فهم و شناخت آن با ابزار عقل صورت می‌گیرد که سبب درک مفاهیم و تدوین مبانی و سپس خلق الگوها و ساخت مصادیق می‌شود (صحاف، ۱۳۹۵). صاحب‌نظرانی مانند سید حسین نصر و نادر اردلان نیز به معنویت و رابطه آن با معماری اشاره می‌کنند (اردلان، ۱۳۶۶) و هنر معنوی را در راستای عالم روحانی قرار می‌دهند. به‌طور کلی مطالعه در پیشینه موضوع نشان می‌دهد؛ وجوه، ابعاد و مراتب مختلف معنای فضا در بیشتر آراء صاحب‌نظران، در دو رویکرد عمده «کمی» و «کیفی» مورد توجه قرار گرفته است که فضا را دارای بُعد متعالی، که در آن روح آرامش خود را بازمی‌یابد، می‌شمارد (نصر، ۱۳۷۵). در حالی که در نگرش‌های کمی به فضا، جنبه‌های ملموس و کاربردی مانند؛ مصالح، فناوری، اندازه، تناسبات و عملکرد، در کنار نگرش‌های کیفی به؛ معانی و مفاهیم فرا مادی، مطلوبیت، زیبایی، عظمت و وحدت، موضوع مطالعه قرار می‌گیرد (شیخ زین‌الدین، ۱۳۸۷، ۱۶۶ به نقل از پورمند، ۱۳۸۵) تا امکان ادراک مفهوم و معنای فضا در ارتباط متقابل انسان با محیط فراهم شود.

همچنین به علت متأثر بودن برخی مفاهیم همچون حس مکان از معنا و رابطه تنگاتنگ و ریشه‌ای آنها، در این دست از مطالعات، دیدگاه‌ها و نظرات گوناگون در خصوص سطوح مختلف معنا، از معنای صریح که با بعد کالبدی مکان در ارتباط است؛ تا معنای ضمنی که متأثر از ابعاد اجتماعی و ارزشی مکان است، بررسی شده است (کلالی و مدیری، ۱۳۹۱). لازم به ذکر است که در برخی تحقیقات معناشناختی معماری، از نظریات زبان‌شناسی نیز برای نحوه دلالت و فهم معنا بهره گرفته شده است (عباس

فضاهای معماری علاوه بر ویژگی‌ها و شاخص‌های کالبدی، که شامل وجوه و ابعاد عینی بوده و توسط حواس پنجگانه درک و دریافت می‌شوند؛ دارای ابعاد باطنی و درونی‌تری نیز هست که ادراکات ذهنی انسان‌ها را تحت‌تأثیر قرار داده و معنای اثر را می‌نمایاند. معانی یا همان صورت‌های ذهنی ایجاد شده توسط امور خارجی و ادراکات حسی (ساجدی، ۱۳۹۰، ۱۰۸) توسط قوه عقل و از طریق استدلال فکری، دریافت می‌شود. بنابراین می‌توان گفت؛ معنا متعلق به عالم معقول است که در عالم محسوس یعنی صورت، متجلی است. البته معنا چیزی فراتر از کالبد و درونی‌تر از صورت اثر است ولی جدا از کالبد و صورت نیست. به عبارتی معنا در صورت متجلی است، اما با آن یکی نیست و در عین حال معنا از صورت بیرون است، اما از آن جدا نیست (رئییسی و نقره‌کار، ۱۳۹۴، ۱۳).

در حوزه معماری، معنا یکی از عوامل ارتقاء کیفیت فضا و همچنین پیدایش هویت مکان فرض شده است (پاکزاد، ۱۳۸۱؛ قلعه‌نویی و همکاران، ۱۳۹۴؛ Punter, 1991; Canter, 1977). از آنجاکه طراحی معماری آفرینش مکان و انتخاب نور و رنگ به‌مثابه عناصر معماری است، نورپردازی فضا و توزیع تیرگی و روشنایی، نه تنها نمود بیرونی و کالبدی اشیاء را تعریف می‌کند، بلکه طبیعت یک مکان، ویژگی، شخصیت و هویت و معنای آن را نیز ایجاد می‌نماید (Tregenza & Wilson, 2011, 11). به‌طور کلی دو رویکرد اصلی نسبت به نور وجود دارد که یکی با علم نور و روشنایی و فناوری‌های وابسته، و دیگری با حوزه طراحی با نور روز مرتبط است (Stemers, 1994, 950) که با جسم و روح انسان و لذا با هر دو پدیده ماده و معنی، در ارتباط بوده و منجر به ایجاد ادراکات متنوع و تکامل، غنا و همچنین کیفیت بخشی به فضاهای معماری می‌شود.

در جهان‌بینی اسلامی نیز از نور در وهله نخست، به‌مثابه حقیقتی متعالی یاد شده و بر معنویت آن تأکید شده است. همچنین نور در عرفان و تصوف با تأسی از قرآن، اسمی از اسماء الهی دانسته شده است (نوربخش، ۱۳۸۴). با توجه به اهمیت این مطلب معماران ایرانی از نور روز برای معنا بخشی به فضا علاوه بر پاسخگویی به نیازهای مادی و کالبدی استفاده‌کنندگان بهره برده‌اند. نکته و مسئله حائز اهمیت در این میان، شناخت چگونگی ادراک معنای حاصل از ویژگی‌های نور روز در فضا است. این مقاله باهدف تبیین کیفیت و مراتب ادراک معنای فضا با دریافت نور روز، انجام شده است.

## روش پژوهش

این نوشتار به روش استدلال منطقی و با مطالعات کتابخانه‌ای،

## تمثیل در آیه نور

از جمله مهم‌ترین و مشهورترین آیات قرآن کریم که در آن کلمه نور آمده است، آیه ۳۵ سوره نور است. در این آیه ۵ بار لفظ نور به کاررفته است.

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مُبْصَحٌ الْمُبْصَحُ فِي زَجَاجَةٍ الزَّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَيَّ نُورٌ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (۳۵)

به تعبیر علامه طباطبائی این آیه از غرر آیات است که کل جهان را بر اساس توحید و نورانیت ترسیم می‌نماید (طباطبائی، ۱۳۷۰، ۷۸). در آیه ﴿اللَّهُ نور السموات والارض﴾ بر خداوند اطلاق نور شده است. در معنای آیه گفته‌اند که خداوند به نفس خود ظاهر است و آنچه در آسمانها و زمین است به واسطه او ظهور دارد. تفسیرهای بسیاری از این آیه ارائه شده است با توجه به اهمیت زیاد این آیه، و تمثیل قرآن درباره نور در آن، به برخی از نکات مهم تفسیری در ادامه اشاره می‌شود.<sup>۱</sup>

الف) در قرآن کریم از جمله در آیه نور برای بیان مطالب بلند، از «تمثیل» استفاده شده است تا مطالب عمیق، با تنزل قاعده عقلی به مرحله خیال و وهم و حس، قابل فهم و در دسترس عامه مخاطبان باشد. البته لازم به ذکر است که مثل‌ها تنها برای فهم موضوع نیست بلکه برای گرفتن و بالا رفتن تا رسیدن به ممثیل است (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

مثل در این آیه، مثل نور خداست. نه مثل خدا. ضمیر «ه» در ﴿مِثْلُ نُورِهِ﴾ به نور برمی‌گردد. چون خدا مثل ندارد. خداوند نور دارد، نور خدا مثل اش این چنین است. ﴿نُورٌ عَلَيَّ نُورٌ﴾ این یک نور قوی است که انسان می‌تواند کاملاً در سایه آن زندگی کند.

ب) اگر نور که یک لفظ است که مفهوم دارد و ممکن است ماهیت هم داشته باشد، هستی یافته و موجود شود، روشن می‌کند و اگر موجود نشود چیزی را روشن نمی‌کند، مفهوم نور و ماهیت نور روشن‌گر نیست این وجود نور است که روشن می‌کند.

خدا نور آسمانها و زمین است که اگر وجود نداشت، چیزی هم وجود نداشت. ظهور اشیاء به وسیله خداوند سبحان است چراکه او ظاهر با لذات و مظهر غیراست.

ج) در روایات نیز هست که او منور آسمانها و زمین است و هادی موجودات آسمان و زمین. این نور عمومی است که خداوند به همه عطا می‌کند (رحمت مطلقه)، انبیاء و اولیاء (اهل بیت) در دریافت کردن و رساندن این نور، با عنایت الهی، سهم دارند. درعین حال منور اصلی به ما از دریافت کننده‌ها نزدیک‌تر است و قدرتش برای رساندن نور از دریافت کننده‌ها بیشتر است.

درباره نور روز نیز، در بیشتر مطالعات و نظریات ارائه شده، به کاربردها و ابعاد مختلف بهره‌مندی از آن در طراحی معماری و تأثیرات آن در دو بعد کمی و کیفی پرداخته شده و به دو حوزه ذهنی و عینی در توصیفات نور روز اشاره شده است (Boyce, 1994, 950-951; Steemers, 2003, 584). در این زمینه، بحث «ادراک» و ایجاد کیفیت فضا حائز اهمیت ویژه‌ای در تحقیقات بوده است (Tregenza & Wilson, 2011, 11) اگرچه در مطالعات انجام شده درباره نور و نسبت آن با معماری، توجه به ابعاد عینی همچون «آسایش بصری» و «آسایش حرارتی» بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، لیکن در پژوهش‌های معماری اسلامی ایران، به جایگاه نور در فلسفه و هنر ایرانی در مفهومی نمادین و معنوی اشاره‌هایی هرچند کلی و اندک شده است (رهبرنیا و روزبهانی، ۱۳۹۳، ۶۶). علیرغم وجود منابع حکمی مختلف درباره نور و مفاهیم فلسفی آن، تاکنون مطالعه‌ای که حلقه اتصال تحقیقات بنیادین درباره ماهیت نور و کاربرد آن در معماری باشد، انجام نشده است بنابراین نحوه ادراک و دریافت معنای فضا با دریافت نور روز، ناشناخته مانده است. مقاله حاضر با تحلیل‌ها و تطبیق‌هایی نو و با بهره‌گیری از منابع قرآنی، تلاش نموده تا گامی جهت پر کردن خلأ مزبور بردارد.

## انواع و مراتب نور روز در قرآن کریم بر اساس مطالعات تفسیری

در قرآن کریم، که کتابی برای هدایت همگان است، حقایق به روش‌های مختلفی همچون تمثیل، در زمینه‌ها و موضوعات گوناگون، بیان شده است. یکی از موضوعات مهم به کاررفته در این کتاب آسمانی «نور» است. این کلمه با مصادیق مختلف، چندین بار در آیات قرآنی آمده است که تأمل در آنها نکاتی چند را به ذهن متبادر می‌سازد؛ از جمله اینکه کلمه نور در برخی آیات در کنار ظلمت به کاررفته که در آنها، اصل با نور و فقدان آن ظلمت و تاریکی است و خارج شدن از ظلمت و حرکت به سمت نور، هدایت و راه یافتن در صراط مستقیم است. همچنین یکی از مهم‌ترین معانی که به نور اطلاق شده، کتب الهی یا همان برهان است. همچنین در آیات الهی آمده است که خداوند نور است و درعین حال منور، چراکه موجود شدن هر چیزی با نور خداست. خداوند در مثل نور خود، به درجات و مراتب آن اشاره می‌نماید که معلوم می‌شود منشأ نور، خداوند تبارک و تعالی است. خداوند این نور را به کسانی که آنها را هدایت می‌کند، می‌بخشد. هدایت یافتگان با این نور الهی، در دنیا و عقبی حرکت کرده و راه می‌یابند. در جدول ۱ مهم‌ترین کاربردهای نور، مفاهیم و مصادیق آن در قرآن کریم جمع‌آوری شده است.

جدول ۱. کاربرد نور، مصادیق و مفاهیم آن در قرآن کریم

کاربرد نور	آیات	مفهوم	مصادیق
کاربرد نور همراه ظلمت	آیه ۱۷ سوره بقره مِثْلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ آیات: ۱۷ سوره بقره، ۲۵۷ سوره بقره، ۱ سوره انعام، ۱۶ سوره رعد، ۲۰ سوره فاطر	ظلمت به معنای رفتن نور	راه یافتن و حرکت
حرکت (خروج) از ظلمت به سوی نور و از نور به سوی ظلمت	آیه ۱۶ سوره مائده يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ آیات: ۲۵۷ سوره بقره، آیه ۱۶ سوره مائده، ۱ سوره ابراهیم، ۵ سوره ابراهیم، ۴۳ سوره احزاب، ۹ سوره حدید، ۱۱ سوره طلاق	نور در مفهوم هدایت در صراط مستقیم	هدایت الهی و روشن بینی (طباطبایی، ۱۳۷۰)
نور: کتاب الهی و برهان (مبین)	آیه ۱۷۴ سوره نساء يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا آیه ۱۵ سوره مائده يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ آیات: ۱۷۴ سوره نساء، ۱۵ سوره مائده، ۴۴ سوره مائده، ۴۶ سوره مائده، ۹۱ سوره انعام، ۱۵۷ سوره اعراف، ۵۲ سوره شوری، ۸ سوره تغابن،	کتاب الهی نور و هدایت است کتاب الهی برهان (نور) است	قرآن و کتب آسمانی (طباطبایی، ۱۳۷۰) پیامبر اسلام (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۴۷۲)
نور خدا	آیه ۳۲ سوره توبه يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ آیه ۳۵ سوره نور اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آیات: ۳۲ سوره توبه، ۳۵ سوره نور، ۶۹ سوره زمر، ۸ سوره صف	خداوند نور است نور، نور خدا است که سایر اشیاء را موجود و روشن می کند. و کسی نمی تواند آن را خاموش کند.	خداوند سبحان مصادیق تام نور همان (وجود (خدا) و روشن می کند. و (طباطبایی، ۱۳۷۰، ۱۷۲) آئین اسلام (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۴۷۲) امامان و پیشوایان معصوم (شریف، ۱۳۷۵ ق، ۳۱۴) (بحرانی، ۱۳۷۵، ۱۳۶-۱۳۷)
حرکت (مشی)، سعی) با نور نور افراد خاص	آیه ۱۲۲ سوره انعام أَوْ مَنْ كَانَ مِثْنًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مِثْلَهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ آیات: ۱۲۲ سوره انعام، ۴۰ سوره نور، و ۱۲ و ۱۳ و ۱۹ و ۲۸ سوره حدید، ۸ سوره تحریم، ۲۲ سوره زمر	منشأ نور از خدا است. که به برخی افراد می بخشد	مؤمنان (افشار کرمانی، ۱۳۸۳) نور معادل ایمان
نور (ماه) حسی	آیه ۵ سوره یونس هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا وَ قَدَرَهُ مِيزَانًا لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَ الْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يَقْضِ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ آیه ۱۶ سوره نوح وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا	راه یافتگی، هدایت یافتگی افراد با نور ماه: نور خورشید: ضیاء - سراج	نور ماه

معنای حقیقی خود، تجاوز کند و به غیر معنا برسد، معنای دوم را معنای مجاز می‌گویند که اگر کسی خواست به حقیقت برسد از این مَجَوَز و معبر باید عبور کند تا به آن حقیقت برسد.

درباره نور نیز؛ نور حقیقی مخصوص خدا یعنی ذات اقدس الهی است. سایر نورها عاریتی است، (شکل ۱) یعنی مَجَوَز و معبری است برای رسیدن به حقیقت. نور عاریتی نیز در دو نوع است؛ یا متافیزیکی است مانند قرآن، پیامبر و ائمه، و یا فیزیکی است مانند شمس و قمر که حسی‌اند، اینها مجازند که از نور حقیقی رسیده‌اند. (شکل ۲) این‌ها عاریه است و ذات اقدس الهی آن مراحل ضعیف را نصیب مؤمنین عادی هم می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

### انواع نور و درجات آن از دیدگاه قرآن<sup>۲</sup>

با توجه به مطالب تفسیری و برای بهره‌گیری از شاخص‌های نور در سایر زمینه‌ها مانند معماری، می‌توان همانند شکل ۳ طیفی از مراتب از حسی تا عقلی برای نور در نظر گرفت.

### مطالعه تطبیقی نور و معنا در فضای معماری

درباره نور مشخص شد که؛ نور اصلی نور خداست و سایر نورها از او وجود می‌یابند. این نور که نور حقیقی و نور واحدی است و کثرت در او راه ندارد؛ انواع نور مجازی را وجود می‌بخشد. این انوار مجازی که عاریتی بوده و معبری برای رسیدن به نور اصلی هستند؛ خود در دو نوع «معنوی و متافیزیکی» و «فیزیکی و عام» ظهور می‌یابند. آنچه در دسترس افراد عادی است، نوع فیزیکی و ظاهری نور است. حال بحث اصلی این است

(د) لطف خدا نه شرقی است نه غربی، همیشه برای همه می‌تابد (نور عمومی برای توده مردم). نور خصوصی (رحمت خاصه) هم وجود دارد که در مکان‌های خاصی است. نظیر مسجد، حسینیه، حرم، مسجدالحرام، بقیع و در خانه‌هایی که ذکر و یاد خدا می‌شود ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ﴾ (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

### انواع، مراتب و درجات نور

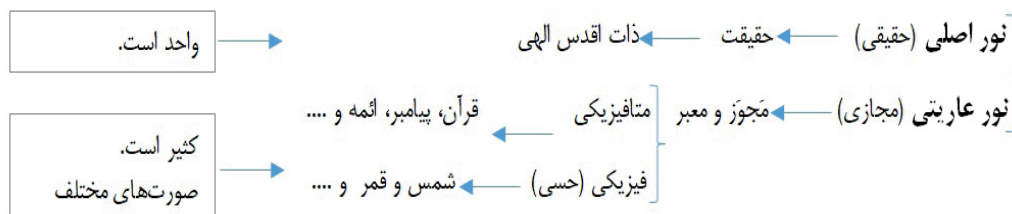
در توضیح و تفسیر آیات قرآنی چنین بیان شد که ذات اقدس الهی نورهای فراوانی دارد و نور الهی در دو نوع است؛

**الف) نور معنوی:** یا نور خاص و ویژه که رحمت رحیمیه خداست. این نور درجاتی دارد و به صورت‌های مختلفی درمی‌آید. گاهی به صورت قرآن و کتاب آسمانی، گاهی به صورت مکتب آسمانی، گاه به صورت نبوت و رسالت، گاه به صورت ولایت و اهل بیت درمی‌آید. و یا در خانه‌هایی است که یاد و ذکر خداوند در آنها می‌شود (سوره نور، آیه ۳۶). همچنین خداوند با افروختن مشکات درونی انسان مؤمن به او شرح صدر می‌دهد و از ظلمات به نور خارج می‌شود (نور ایمان و معرفت).

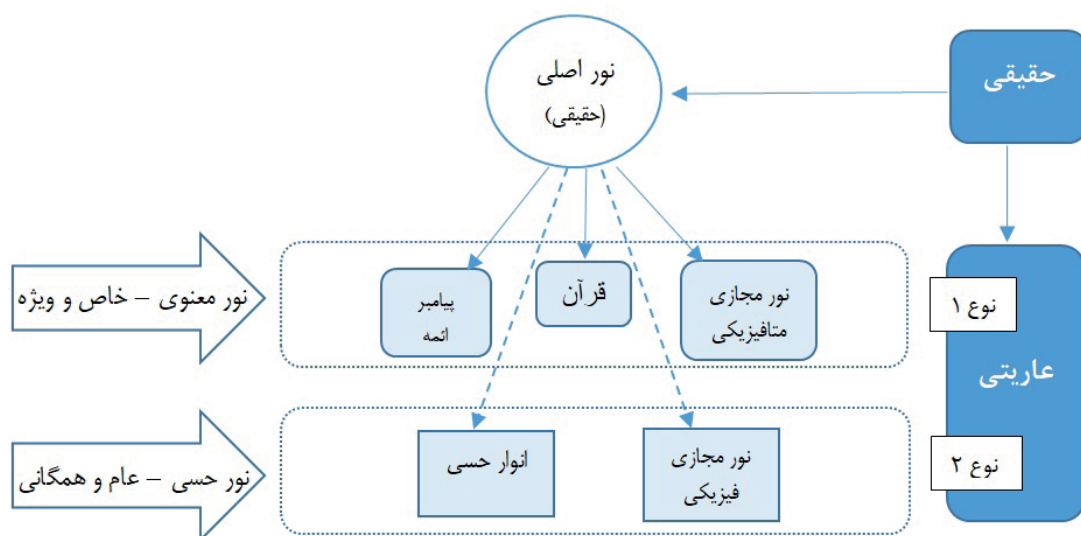
**ب) نور عمومی:** یا نور حسی که نور عام است و همگان از آن بهره می‌برند. به‌عنوان نمونه، خداوند در عالم حس و ظاهر آفتاب را سراج و هاج قرارداد.

### حقیقت و مجاز

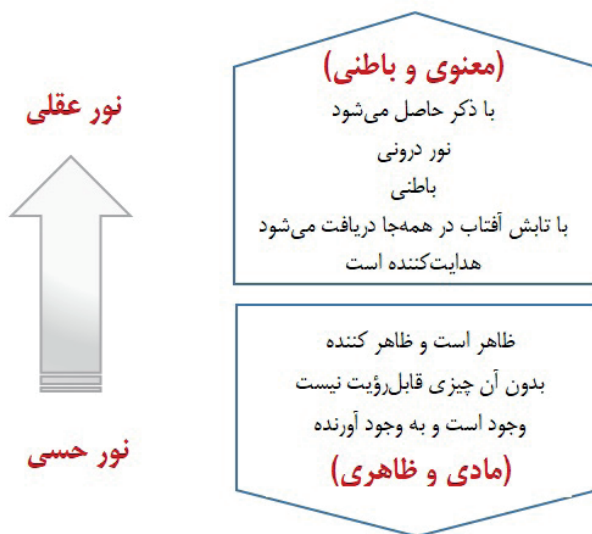
در توضیح حقیقت و مجاز باید گفت که؛ وقتی لفظ از محل و



شکل ۱. انواع نور از دیدگاه تفسیری



شکل ۲. منشأ اصلی نور



شکل ۳. مراتب نور از نور حسی تا نور عقلی

و معماری، حائز اهمیتی ویژه و یکی از مسائل مهم، به خصوص در جهان بینی اسلامی، است. در برخی از مطالعات و تحقیقات، درباره معنا و نحوه ارتباط مصادیق با مفاهیم، در آثار معماری و هنری مباحث مهمی مطرح شده است که بررسی و تحلیل آنها در این مجال نمی گنجد (نصر، ۱۳۷۵؛ نقره کار و رئیس، ۱۳۹۱؛ نقی زاده و امین زاده، ۱۳۷۹). لیکن آنچه راه گشای این مطالعه است، تبیین و بهره مندی از چهارچوبی برای بررسی فرایند و روش ادراک عقلی از معناست. چراکه با تطابق آن با

که؛ چگونه از این نور حسی که مجاز است می توان به درک حقیقت و توحید، که نور اصلی است، رسید؟

**چگونگی رسیدن به حقیقت (توحید) از طریق نور حسی (مجاز) در فضای معماری**

رسیدن از امور حسی به عقلی، یعنی از صورت به معنی، در هنر



شاخص‌ها و درجات نور، می‌توان به چگونگی تأثیر نور روز در ایجاد معنای فضا؛ پی برد. برای رسیدن به این هدف، تلاش می‌شود تا با مطالعه اجمالی معنا، مراتب ادراک آن در فضا تدوین شود تا در ادامه بتوان تناظری میان این مراتب، با شاخص‌های نور روز برقرار نموده و مدل اصلی موردنظر تحقیق را استخراج کرد.

## معنا

**چیستی:** در بسیاری از نظریه‌ها، «معنا» در برابر «صورت، لفظ یا مصداق» و در ارتباط با آنها، فرض شده است. اکثر نظریه‌ها، معنا را که معمولاً باطن و پنهان است؛ مرتبط با لفظ و صورت، که آشکار و پیداست، برشمرده‌اند. آنچه در تعریف واژه معنا به‌طور عام آمده، این است که؛ معنا یعنی: مفهوم، منطبق، منظور، مراد، مدلول، فحوا، تأویل، تفسیر، باطن، آنچه شکل و یا کلمه و یا لفظ و یا صورت بر آن دلالت دارد؛ مقصود سخن، مراد کلام (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل «معنی»)

در تبیین چیستی و ماهیت معنا، آرای متفاوتی میان فیلسوفان مختلف، به‌خصوص در حوزه زبان‌شناسی، مطرح‌شده است که جایگاه معنا در ارتباط با لفظ و مصداق را، تا حدودی بیان می‌کنند. در این میان برخی معنا را همان مصداق، و برخی آن را رابطه میان لفظ و مصداق می‌دانند. جمعی از جمله جان لاک، معنا را تصور یا نوعی ایده ذهنی برمی‌شمارد. کسانی نیز حقیقت معنا را در واکنش‌های رفتاری و خارجی افراد به کلمات جستجو می‌کنند. ویتگنشتاین در مرحله اولیه زیست فلسفی خود، بر «نظریه تصویری معنا» یعنی زبان یا کلام به‌مثابه ابزاری برای ارائه تصویری از واقعیت امور، تکیه داشت؛ اما بعدها دیدگاه کاربردی یا ابزاری معنا (معنای یک واژه معادل کاربرد آن) را مطرح کرد. جان آستین نیز همچون ویتگنشتاین تکیه خود برای تحلیل معنا را، بر کاربرد قرارداد (ساجدی، ۱۳۹۰، ۸۵).

در این میان، اندیشمندان اسلامی نیز، اگرچه اندک، ولی به‌طور ضمنی و برای تحلیل گزاره‌های دینی و فلسفی به‌خصوص در علم اصول و منطوق، در باب «حقیقت معنا» سخن گفته‌اند. در این مباحث مقوله‌های «معنا»، «مفهوم»، «مصداق» و «واقع» تا حدودی مطرح‌شده است، که با مطالعه آنها می‌توان چیستی و جایگاه «معنا» و رابطه آن با سایر مفاهیم را دریافته و با مطالعه‌ای تطبیقی، روش ادراک معنا را تبیین نمود. در این باره در یکی از مهم‌ترین مقالاتی که درباره چیستی معنا و با رویکرد و نگرش اسلامی نگارش یافته، در رابطه معنا با مقولات مرتبط چنین آمده است که؛ معنا حقیقتی است که مفهوم از آن حکایت می‌کند و آن را نشان می‌دهد (فیاضی و همکاران، ۱۳۹۲). در ارتباط با معنا و مفهوم باید گفت که؛ معنا غیر از مفهوم است. معانی در ذهن حضور ندارند، بلکه به کمک مفاهیم در ذهن

نمایند می‌شوند. در واقع معنا در ذهن درک می‌شود، در حالی که در ذهن نیست و این از شگفتی‌های ذهن پیچیده آدمی است (همان، ۱۲۶). بر این اساس، معنا در ذهن مانند شیء‌ای است که در آئینه نمایانده و دیده می‌شود، در حالی که در آن نیست. این مطلب جایگاه معنا را در ذهن آشکارتر می‌نماید.

مشابه همین دیدگاه، برخی در هستی‌شناسی معنا، آن را همان صورت ذهنی می‌شمارند، بدون لحاظ ذهنیت، که در برابر مفهوم و مصداق قرار می‌گیرد (ساجدی، ۱۳۹۰، ۸۵). در رابطه با ویژگی‌های، مراتب و نقش مقولات مختلف مرتبط با معنا می‌توان گفت که؛ «معنا حقیقت شیء است و مفهوم حکایت شیء و مصداق بدان قید می‌زند و واقع به آن عینیت می‌بخشد و در واقع تحقق شیء است و لفظ برای آن وضع می‌گردد» (فیاضی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲۶). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که معنا اصل است و مفهوم و مصداق و واقع، فرع آن و معنا بر همه آنها تقدم رتبی دارد. (جدول ۲) همچنین از اینجا می‌توان دریافت که چهار مقوله؛ معنا، مفهوم، مصداق و واقع، مشابه هم هستند و در عین حال متمایزند ولی تعارضی نیز باهم ندارند (همان، ۱۲۶-۱۲۸). لازم به توضیح است که معنای فهمیده شده، امکان دارد مابه‌ازاد وجودی خارجی داشته و یا نداشته باشد، که در هر حال معقول (اول یا ثانی) خوانده می‌شود (همان، ۱۵۶). برای فهم این معقول، مراتب مختلفی از واقع و مصداق؛ که اموری حسی‌اند تا حقیقت معنا؛ که امری معقول است، پیموده می‌شود.

اگرچه دو واژه «معنا» و «مفهوم» گاهی به‌جای هم به کار می‌روند؛ لیکن فیاضی و همکاران (۱۳۹۳) به تفکیک و تمایز آنها به‌دقت، پرداخته‌اند و مشخص‌شده است که؛ مفهوم تصور معناست و در نتیجه تابع و فانی در آن است. همچنین برخی مطالعات، معنا را مصداق به‌ذات گفته‌اند، یعنی چنانچه مصداق که جواز کثرت دارند، از همه تقییدات پیراسته و همه زوائد حذف شوند، آنگاه صرفاً ذات معنا می‌ماند و از این منظر، معنا همان مصداق با لذات است.

درباره جایگاه معنا آیت‌الله خوئی، معنا را مفهومی می‌داند که قابل حضور در ذهن است. اگرچه جایگاه و ظرف معنا جز ذهن نیست ولی معنا هم بر خارج و هم بر ذهن تطبیق‌پذیر است. با حذف قید ذهنی بودن و خارجی بودن معنا بر هر دو قابل صدق است. درباره رابطه تنگاتنگ معنا و مفهوم (از نظر اصولیون) چنین برداشت می‌شود که معنا معلوم با لذات است که در برابر مفهوم (حکایت‌کننده) و مصداق (معلوم بالعرض) است. جایگاه و ظرف معنا نیز جایی جز ذهن نیست. واقعیتی که در ذهن داریم اگر به‌وسیله آن به بیرون بنگریم مفهوم است و اگر در خودش بنگریم معناست (ساجدی، ۱۳۹۰، ۱۰۶-۱۰۳).

**روش ادراک معنا:** با تأمل در چیستی معنا می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که معنا حقیقتی معلوم است که در ذهن نمود

جدول ۲. درباره چیستی معنا و مقولات مرتبط با آن<sup>۲</sup>

چیستی	عناوین	ویژگی‌ها
حقیقت شیء	معنا	واحد است، اصل است هم کاشف و هم مکشوف است صورت ذهنی
حکایت شیء	مفهوم	ذهنی است، محدود است، حاکی و کاشف است فانی در معنا است
تقیّد شیء	مصدق	فرع و تابع است کثیر است دارای تقیّدات است حقیقت خارجی است
تحقق شیء	واقع	واقعیت‌های ملموس و ظاهری (حسی)
دلالت	لفظ	امر خارجی نشانگر ایده‌ها تابع وضع و قرارداد (وضع‌شده برای ذوات معانی)

صورت‌ها و تصاویر، توسط امور خارجی به وجود می‌آیند و با ادراکات حسی و دریافت‌ها و دلالت‌های عقلی به شکل فردی و اجتماعی دریافت می‌شوند و به این ترتیب مراتب ادراک معنا، از مصداق به مفهوم و از مفهوم تا معنا طی می‌شود. در این فرایند، رسیدن از محسوسات به معقولات، کاملاً مشهود است.

در این زمینه روایات مهمی از امام علی (ع) نقل شده که به زیبایی رابطه میان ادراکات حسی با علم و قوه عاقله را تبیین می‌نماید. امام علی (ع) در مورد حس، علم، فکر، عقل و رابطه میان آنها می‌فرماید:

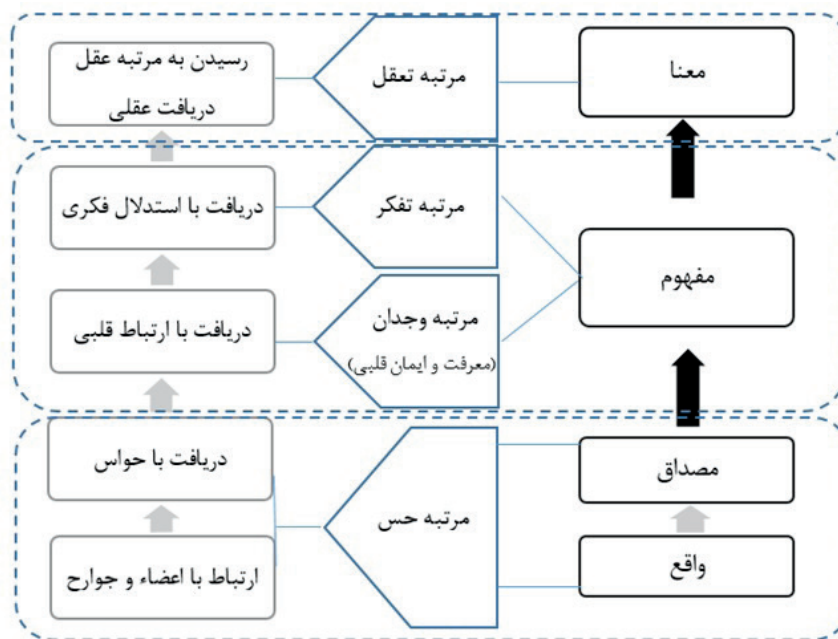
«العقول ائمه الافکار و الافکار ائمه القلوب و القلوب ائمه الحواس و الحواس ائمه الاعضاء» (مجلسی، ۱۳۷۱، ۹۶۹)

عقل‌ها پیشوایان (راهبران، هدایت‌کنندگان) افکار و افکار پیشوایان قلب‌ها و قلب‌ها پیشوایان حواس و حواس پیشوایان اعضا و جوارح‌اند. بر مبنای این سخن ارزشمند مولی الموحّدين، و با تطبیق با مقولات مرتبط با معنا، مدلی برای روش ادراک معنا و بهره‌گیری از آن در فضا، طبق شکل ۴ برداشت می‌شود.

می‌باید. نکته قابل توجه این است که ماهیت معنا امری فقط ذهنی و فاقد وجود خارجی نیست، بلکه معنا حقیقتی است که در خارج وجود دارد و تصویر آن در ذهن، به مثابه یک پرده نمایش‌گر یا آئینه، شکل می‌یابد. مفهوم صورت ذهنی است که حکایت از معنا می‌کند و امری کاملاً ذهنی بوده و وجود خارجی ندارد. این مفهوم، به معنا دلالت و اشاره می‌نماید. این تصاویر و صورت‌های ذهنی در مرتبه اول، حاصل از ادراکات حسی و رویارویی با امور خارجی است و در مراتب بالاتر، از دریافت‌های حضوری نشأت می‌گیرد.

در مطالعاتی که معنا و معنویت را مترادف فرض می‌کنند نیز، امر معنوی در تقسیم‌بندی ابعاد وجودی انسان یعنی «جسم»، «نفس» و «روح» مرتبط با روح انسان است. با توجه به اینکه معنویت با عالم بالا یعنی عالم روح مرتبط است، بنابراین شناخت آن، ادراک و فهم درونی (معنایی) را طلب می‌کند. ادراک این گونه از معنا با عقل کلی صورت می‌گیرد و به نحوه دریافت و معرفت هر انسان بستگی می‌یابد (صحاف، ۱۳۹۵، ۵۵). به‌طور کلی در تحلیل نظرات مؤید معنا، و درباره روش ادراک آن می‌توان گفت که؛ معنا با ایجاد صورت‌ها و تصاویر ذهنی، ادراک می‌شود. این





شکل ۴. روش و مراتب ادراک معنا  
مراتب دریافت و فهم؛ از امور حسی تا امور عقلی (ماده تا معنا)

### ادراک معنا بر اساس درجات نور

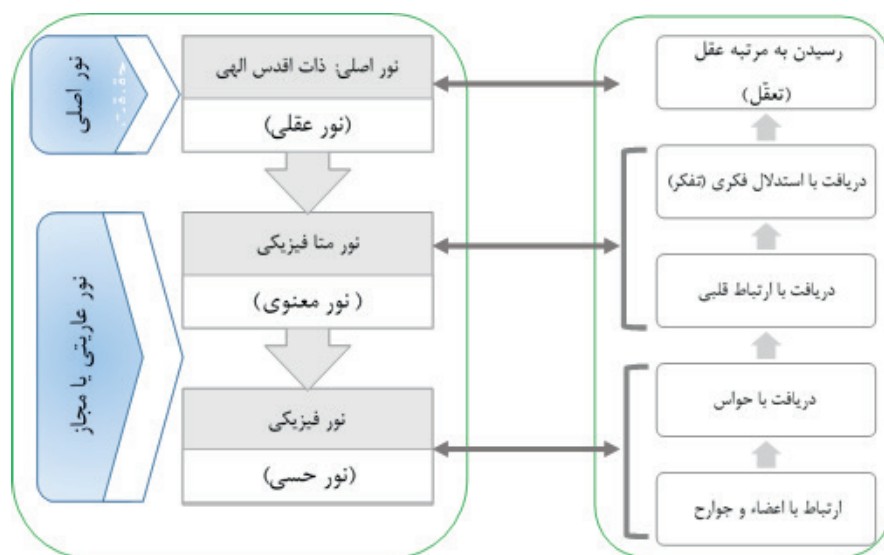
پس از تبیین روش ادراک معنا و درجات نور روز در چهارچوبی مشخص، می‌توان به تناظر بخشی و انطباق هر یک از انواع و مراتب نور روز با مراتب ادراک معنا پرداخت (شکل ۵). این امر اگرچه چهارچوبی کلی است؛ لیکن کمک شایانی به تعیین چگونگی شکل یابی و درک معنا (معنای فضا) با دریافت نور روز خواهد نمود.

همان‌گونه که در شکل ۵ نیز مشخص است نور اصلی یا حقیقت با مرتبۀ تعقل که بالاترین مرتبه از مراتب ادراک است؛ در ارتباط است. درباره نور عاریتی نیز، نور متافیزیکی یا نور معنوی را می‌توان با ارتباط قلبی و با استدلال فکری مرتبط دانست و نور فیزیکی یا نور حسی نیز که عام‌ترین مرتبه و درجه از نور است؛ با اعضا و جوارح مرتبط بوده و با حواس پنج‌گانه درک و دریافت می‌شود.

### معنای فضا

در جهان‌بینی اسلامی معنا در صورت، تجلی دارد ولی فراتر از

کالبد و درواقع امری باطنی و مرتبط با حقیقت است. «جنبه درونی، باطنی و غیر صوری هر چیز حامل مقصود اصلی است؛ به‌عبارت‌دیگر، معنا اصل و حقیقت اشیاء و پدیده‌هاست» (بمانیان و عظیمی، ۱۳۸۹، ۴۰). بنابراین می‌توان گفت، کالبد نشانهای است که مخاطب را به‌سوی باطن امور و معنا هدایت می‌کند. درباره نظریه تجلی معنا و محتوا در صورت یعنی آثار مختلف چنین بیان‌شده است که؛ هیچ مکان یا شیئی تنها به «جا» و «فضا» و «قلمروی» خاص دلالت نمی‌کند، بلکه بالاتر از آن به محتوایی که در آن مکان محیط شده و همچنین به محتوایی آن را احاطه نموده است و به محتوای اصولی که آن را خلق نموده است نیز اشاره می‌نماید (نقی زاده و امین زاده، ۱۳۷۹، ۲۸). بر اساس این دیدگاه در هنر و معماری اسلامی نیز در نخستین برخورد انسان با معماری [سنتی] نخست صورت ظاهری معماری است که در ذهن بیننده نقش می‌بندد و در او اثر می‌گذارد. با تأمل بیشتر در صورتها، تأثیرگذاربها عمیق‌تر می‌شود و در این تعامل وارد فضای معانی می‌گردد. رویکرد هنر و معماری اسلامی رجوع به‌صورت صرف نیست، بلکه رجوع به معناست. صورت و معنا در معماری ناظر به وجه محسوس و معقول (ماوراء محسوس) است و صورت معماری گواه آن معنا و مفهومی است که مقصود معمار را منتقل می‌کند (ذوالفقار



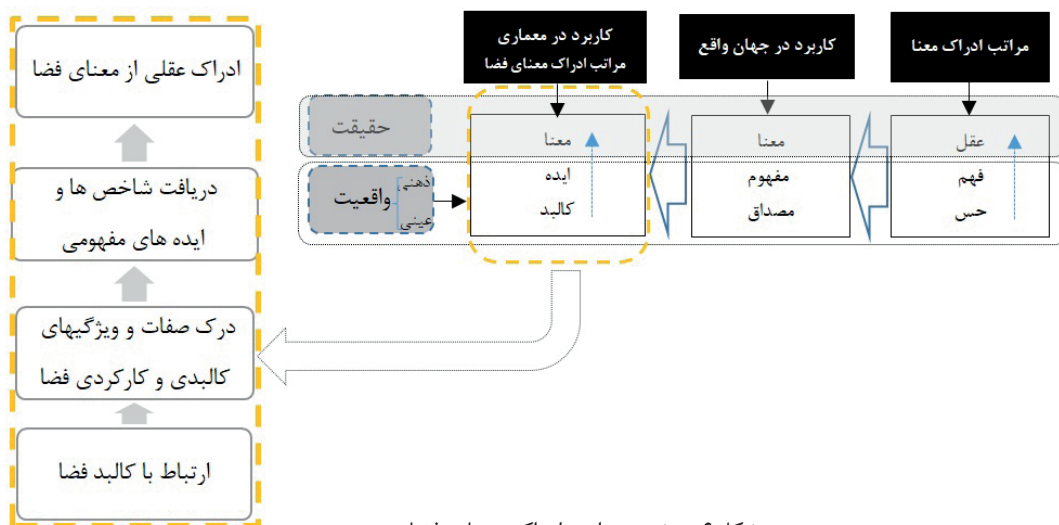
شکل ۵. چهارچوب ارتباط و انطباق درجات نور روز با روش‌های ادراک معنا

بیانی بصری از ایده‌ها به دست می‌دهد، ایده‌هایی که چیزی را برای بشر معنادار می‌کنند، چراکه به واقعیت سامان می‌بخشند. چنین ایده‌هایی احتمالاً اجتماعی، مسلکی، علمی، فلسفی یا مذهبی‌اند. وی با اشاره به زنده شدن فضاها در صورت بدل شدن به مکان‌های بامعنا، تأکید می‌کند که؛ این وظیفه معمار است که به فضاها فرمی بدهد که با آن، آنها محتوای لازم را دارا شوند (شولتز، ۱۳۹۳، ۵۴-۴۹). ادوارد رلف نیز مکان‌ها را به‌طور ذاتی محل گردآمدن معانی برمی‌شمارد؛ معنایی که در تجربه‌های ما شکل گرفته‌اند. و انسان‌ها چه به‌صورت فردی و چه گروهی با الصاق معانی به فضاها، آنها را به مکان تبدیل می‌کنند (Car- mona & Tiesdell, 2007, 101). بنابراین می‌توان دریافت که معماری، مشتمل بر مصادیقی در جهان بیرون است که دارای معنا نیز است.

### روش ادراک معنای فضا

همان‌گونه که از مطالب بخش‌های پیشین برمی‌آید؛ ادراک معنا دارای مراتب و مراحل اصلی به شرح؛ «حس»، «فهم» و «عقل» بوده (شکل ۴) که در جهان واقع، به‌صورت مصداق، مفهوم و معنا کاربرد می‌یابد. مراتب ادراک معنا در معماری را می‌توان با توجه به مراتب اشاره‌شده، استدلال و تبیین نمود. بدین‌صورت که

زاده، ۱۳۹۳، ۳۷-۳۹). سنت‌گرایان اسلامی مانند نصر، معنا و معنویت را متناظر باهم در نظر می‌گیرد و می‌نویسد: «لفظ معنا و معنویت از یک ریشه نشأت می‌گیرد و هر دو در روحانیت عجین می‌شوند. واژه معادل (Spirituality) در زبان‌های اسلامی «روحانیت» یا «معنویت» است که از واژه «روح» یا «معنا» مشتق شده است. هر دو واژه بر امر باطنی یا درونی دلالت دارند که سرچشمه هنر و معماری اسلامی را در این فضا باید جستجو کرد» (نصر، ۱۳۷۵، ۱۲). لازم به ذکر است که نظریه‌های متعدد ارائه‌شده در فرهنگ‌ها و ملل مختلف؛ معنا و محتوای فضا را عامل ایجاد کیفیت فضایی و حس مکان دانسته‌اند و هنر معماری را وسیله نمود یافتن مراتب مختلف معنا در صورت‌ها توصیف کرده‌اند. از جمله نوربرگ شولتز با اشاره به نقش معمار در ایجاد معنا و روح مکان می‌نویسد؛ وظیفه اصلی معمار و شهر ساز، ایجاد مکان‌های دارای کاراکتر خاص و واجد معنی است؛ به‌عبارت‌دیگر، بشر زمانی پایگاه وجودی خود را کسب می‌کند، که مکان او واجد کاراکتر واقعی شود. از زمان‌های دور کاراکتر محیطی، روح مکان تلقی شده است (Schulz, 1975, 432). ما صرفاً از اینکه ساختمان‌ها با عملکردی ساخته‌شود خوشنودکننده نیست، بلکه باید آنها «بامعنا» هم باشند. وی با اشاره به ریشه ایده‌ها تأکید می‌نماید که؛ معماری به‌مثابه اثری هنری، واقعیت‌ها یا ارزش‌های برتر را معین می‌سازد. معماری

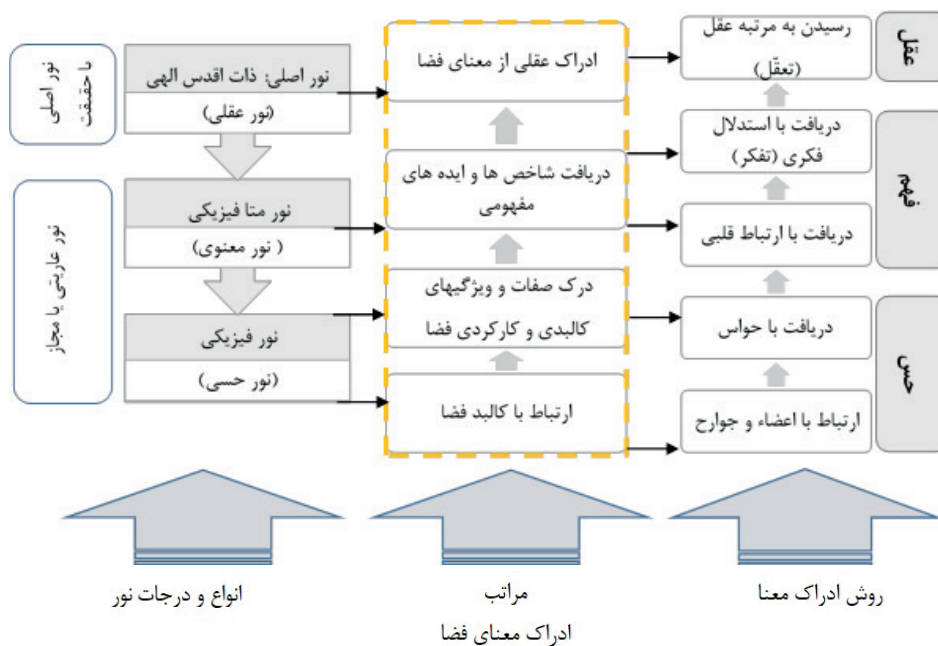


شکل ۶. روش و مراتب ادراک معنای فضا

### یافته‌ها

برای توسعه چهارچوب پیشنهادی جهت کاربرد در معماری، می‌توان به نمودارهای روش ادراک معنا و مراتب ادراک معنای فضا، نمودار انواع و درجات نور را اضافه نمود و انطباقهای موردنظر را بین سه بخش نمودار انجام داد. (شکل ۷)

کالبدها یا فرم‌های معماری را با مصادیق، و ایده‌ها را با مفاهیم متناظر دانست و معانی را با قوه عقل ادراک نمود. (شکل ۵) و بدین ترتیب مراتب از حس تا عقل، از محسوسات تا معقولات، از ماده تا معنی و از واقعیت تا حقیقت را به روش نشان داده‌شده در شکل ۶، پیمود.



شکل ۷. چهارچوب فرایند ادراک کیفیت معنایی فضا با دریافت نور روز

را، بر مبنای جهان‌بینی اسلامی، شناخته و چگونگی ادراک معنا در هر مرتبه‌ای را مشخص نمود و بدین ترتیب ارتباط بین حقیقت نور با چگونگی ویژگی‌های ایجادشده توسط آن در فضا (کیفیت معنایی نور) را روشن کرد. چهارچوب ارائه‌شده در مدل پیشنهادی، با انطباق و تناظر بخشی میان معیارهای حاصل از نور در درجات آن، با معیارهای مرتبط با ادراک معنای فضا در مراتب مختلف آن، نحوه ایجاد کیفیت معنایی با بهره‌گیری از نور روز در فضا را تبیین می‌نماید.

نتایج تحقیق روشن می‌سازد که آنچه انسان در ارتباط با کالبد و فضا، در اولین مرتبه، ادراک می‌کند؛ دریافت‌های حسی است که از طریق اعضاء و جوارح و با حواس پنجگانه حاصل می‌شود. درباره نور روز در فضا نیز، نور فیزیکی که عام‌ترین مرتبه و درجه از نور است، توسط حواس انسانی از جمله حس بینایی درک و دریافت می‌شود. این مرتبه از نور (نور حسی) سبب رؤیت پذیری و آشکاری فرمها و خوانایی فضاها و کالبدها می‌شود. بدین‌صورت نور طبیعی روز، وجوه ظاهری و محسوس را آشکار، و صفات و ویژگی‌های کالبدی و کارکردی فضاها را در مرتبه حس قابل‌درک می‌سازد. لیکن نور علاوه بر جنبه‌های محسوس، شاخص‌ها و ویژگی‌هایی نیز در فضا ایجاد می‌کند که مفاهیم کیفی را با خود به همراه دارد. این ویژگی‌های کیفی، مفاهیم و ایده‌های ذهنی را در برداشته و نور را در مرتبه‌ای متافیزیکی و از طریق استدلال‌های فکری قابل‌ادراک می‌سازد. با فرا رفتن از مرتبه حس و فهم و وارد شدن به مراتب عقلی ادراک، مشخص می‌شود که نور در درجات حس و فهم؛ نوری عاریتی و مجازی است که منشأ آن نور حقیقی یعنی وجود محض است و کالبدهای عینی و مفاهیم ذهنی، واقعیت‌هایی هستند که نشان از معنای حقیقی در مراتب معقول دارند.

با توجه به یافته‌های این تحقیق درباره مراتب ادراک معنای فضا و همچنین مراتب مختلف نور روز و همچنین تناظر بخشی میان آنها، می‌توان در گام بعدی شاخص‌های ایجادشده توسط نور در فضای معماری را موردبررسی و تحلیل قرارداد و با استخراج مهم‌ترین معیارها در فرایندی نظام‌مند، کیفیت‌های مختلف ادراک معنای فضا با دریافت نور روز را تبیین نمود. بدین نحو که با تحلیل شاخص‌ها و معیارهای موردنظر بر اساس چهارچوب پیشنهادی در مقاله، نقش غالب هر شاخص در ادراک معنای فضا را مشخص کرد. این مهم در نهایت جایگاه مصادیق، مفاهیم و معانی درگذر از واقعیت به حقیقت و راه رسیدن از کالبد به معنا را روشن می‌نماید.

### پی‌نوشت‌ها

۱. مطالب این بخش، برداشت، تلخیص و بازنویسی است از متن سخنرانی‌های حضرت آیت الله جوادی آملی در تفسیر سوره مبارکه نور

برای رسیدن از نور حسی به نور معنوی و حصول کیفیت معنایی نور در فضا، می‌توان از مدل پیشنهادی فوق بهره گرفت. بدین ترتیب که از یک‌سو؛ درجات نور را با روش ادراک معنا و مراتب آن متناظر ساخت و از سوی دیگر این درجات را با مراتب ادراک معنای فضا تطبیق داد.

برای دستیابی به راهکارهای عینی تأمین نور روز برای ایجاد کیفیت معنایی در فضا و یا ارزیابی آن، می‌توان شاخص‌های ایجادشده توسط نور روز در فضا و یا محدوده‌های مکانی خاص، که به‌صورت کالبدی دریافت می‌شود، را استخراج نمود و با دسته‌بندی آنها در مراتب مختلف ادراک معنای فضا، تعیین نمود که هر یک از معیارهای حاصل از نور روز، کدام‌یک از مراتب ادراک معنای فضا را (از حس تا فهم و عقل) تحت تأثیر قرار می‌دهند و بدین ترتیب به چگونگی ایجاد معنا در فضا به‌وسیله نور روز و مراحل و مراتب مختلف آن پی برد.

با تأمل در نتایج تحقیق می‌توان دریافت که نور روز با توجه به ماهیت و درجات خود، شاخص‌ها و ویژگی‌هایی در فضا ایجاد می‌کند. این شاخص‌ها، نخست به‌صورت نور فیزیکی و در مرتبه حس دریافت می‌شوند و با ایجاد تأثیرات عینی در کالبدها و فضاهای معماری از طریق حواس ظاهری، مانند حس بینایی، ادراک می‌شوند. این مرتبه از نور روز، بافرم بنا و کارایی آن ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد. با گذر از این مرحله و فرا رفتن از چهارچوب حس می‌توان مفاهیم ایجادشده توسط نور در فضا را ادراک نمود. در این مرتبه ایده‌های ذهنی به‌کاررفته در طراحی با نور روز، با استدلال‌های فکری و با کمک گرفتن از قوه تفکر قابل‌فهم خواهند بود. در بالاترین مرتبه از ادراک، با بهره گرفتن از قوه تعقل می‌توان به معنای حقیقی که نشانگر نور اصلی و وجود مطلق است، پی برد. این مرتبه از ادراک معنای فضا، بالاترین درجه از درجات نور را به‌مثابه حقیقت محض، در عالم معقولات فراروی انسان قرار خواهد داد.

### نتیجه‌گیری

بر اساس مطالعات تفسیری قرآن کریم، نور انواع و درجاتی دارد که از مرتبه حقیقت به‌عنوان عالی‌ترین مرتبه تا مرتبه حس را شامل می‌شود. ادراک و رسیدن به امور عقلی نیز در طی مراحل از مرحله حس آغاز می‌شود و پس از مرحله فهم و تفکر تا مرحله عقل (تعقل) پیش می‌رود و بدین ترتیب ادراک معنای و مفاهیم مستتر، در مراتب مختلف صورت می‌پذیرد.

از طرفی نور روز در فضا شاخص‌ها و کیفیت‌های مختلفی را به وجود می‌آورد که سبب پیدایش ویژگی‌ها و مفاهیم مختلف در فضا می‌شود. با طبقه‌بندی شاخص‌های ایجادشده توسط نور روز در مراتب مختلف، می‌توان درجات متنوع نور در فضای معماری

## منابع

- جلسات ۲۰ تم تا ۲۶ تم، که بخش‌های مورد نیاز، که مبانی بحث‌های آتی را شکل می‌دهند، انتخاب و از سایت اینترنتی بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء (www.esra.ir) اقتباس و نقل شده‌اند.
۲. نمودار و اشکال مربوط به منشأ و انواع نور بر اساس تفسیر آیت‌الله جوادی آملی از آیه نور، به صورت نمودارهایی ترسیم شده است.
۱. ----- (۱۳۹۴). قرآن کریم. (مهدی الهی قمشه‌ای، مترجم). تهران: امیرکبیر.
  ۲. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. (جلد ۱۴). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  ۳. اردلان، نادر. (۱۳۶۶). ساختمان مفاهیم سنتی معماری و شهرسازی ایران. مجله معماری و هنر، ۲، ۱۰-۱۹.
  ۴. افشار کرمانی، عزیز الله. (۱۳۸۳). نور در منظر آیات و روایات. مجله پژوهش دینی، ۸، ۸۶-۹۹.
  ۵. بحرانی، سید هاشم. (۱۳۷۵). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: دار التفسیر.
  ۶. بمانیان، محمدرضا؛ و عظیمی، سیده فاطمه. (۱۳۸۹). انعکاس معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی در طراحی معماری. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۲)، ۳۹-۴۸.
  ۷. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۱). کیفیت فضا. فصلنامه آبادی، ۲(۲)، ۱۱۱-۱۰۰.
  ۸. پورمند، حسنعلی؛ و ریخته‌گران، محمدرضا. (۱۳۸۵). حقیقت مکان و فضای معماری. دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ۲(۴)، ۴۳-۶۰.
  ۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). تفسیر قرآن سوره مبارکه نور. بازبایی ۰۷، ۰۸، ۲۰۱۷، از www.esra.ir.
  ۱۰. ذوالفقار زاده، حسن. (۱۳۹۳). تحلیلی بر شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱(۳)، ۲۹-۴۵.
  ۱۱. رهبرنیا، زهرا؛ و روزبهانی، رویا. (۱۳۹۳). تجلی نور خزه با ابعادی هنری و عرفانی در معماری ایرانی - اسلامی، با تأکید بر آرای شیخ شهاب الدین سهروردی. مجله نقش جهان، ۴(۱)، ۶۵-۷۴.
  ۱۲. رئیس، محمدمنان؛ و نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۴). هستی‌شناسی معنا در آثار معماری. هویت شهر، ۹(۲۴)، ۵-۱۶.
  ۱۳. ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۹۰). هستی‌شناسی معنا. مجله معرفت فلسفی، ۲(۹)، ۸۵-۱۱۴.
  ۱۴. شریف، ابوالحسن. (۱۳۷۵ ق). مقدمه تفسیر مرآة الانوار. قم: دار التفسیر.
  ۱۵. شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۹۳). گزینه‌ای از معماری، معنا و مکان. ( ویدا نوروز برازجانی، مترجم). تهران: پرهام نقش.
  ۱۶. شیخ زین‌الدین، حسین. (۱۳۸۷). فرم در معماری. فصلنامه معماری و فرهنگ، ۱(۱)، ۱۶۶-۱۷۰.
  ۱۷. صحاف، سید محمد خسرو. (۱۳۹۵). معنا در معماری ایرانی. هویت شهر، ۱۰(۲۵)، ۶۰-۵۱.
  ۱۸. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۰). تفسیر المیزان. (جلد ۱۲ و ۱۵، چاپ ۵). قم: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
  ۱۹. عباس زادگان، مصطفی؛ و ذکری، عباس. (۱۳۹۳). مفهوم معنی و فرایند فهم آن در معماری. هویت شهر، ۸(۱۸)، ۵-۱۲.
  ۲۰. فیاضی، غلامرضا؛ ملک‌زاده، هادی؛ و پاشایی، محمدجواد. (۱۳۹۲). چیستی معنا. فصلنامه آئین حکمت، ۵(۱۶)، ۱۶۰-۱۲۵.
  ۲۱. قلعه‌نویی، محمود؛ صالحی نیا، مجید؛ و پیما نفر، سپیده. (۱۳۹۴). سیاست‌های طراحی شهری دوباره اصفهان؛ با رویکردی بر معنای محیط در دو طیف مسلمان و یهودی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۲۱، ۵۷-۶۶.
  ۲۲. کلالی، پریسا؛ و مدیری، آتوسا. (۱۳۹۱). تبیین نقش مؤلفه معنا در فرایند شکل‌گیری حس مکان. هنرهای زیبا، ۱۷(۲)، ۵۱-۴۳.
  ۲۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۱). بحارالانوار. (جلد ۱). بیروت: دار احیاء التراث، چاپ اثر اصلی، ۱۴۱۲ ق.
  ۲۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹). تفسیر نمونه. (جلد ۱۴، چاپ ۲۰). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
  ۲۵. نصر، سید حسین. (۱۳۷۵). هنر و معنویت. (رحیم قاسمیان، مترجم). تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
  ۲۶. نقی زاده، محمد؛ و امین زاده، بهناز. (۱۳۷۹). رابطه معنا و صورت در تبیین مبانی هنر. نشریه هنرهای زیبا، ۸، ۱۶-۳۲.
  ۲۷. نقره‌کار، عبدالحمید؛ و رئیس، محمدمنان. (۱۳۹۱). تحقق‌پذیری هویت اسلامی در آثار معماری. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷(۱۲)، ۵-۱۲.
  ۲۸. نوربخش، سیما. (۱۳۸۴). نور در حکمت سهروردی. تهران: انتشارات سعید محبی.
29. Boyce, P. (2003). *Human Factors in Lighting*. (2thed.). London: Taylor & Francis.
  30. Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*. London: Architectural Press.
  31. Carmona, M., & Tiesdell, S. (2007). *Urban design reader: The dimension of urban design*. London: Architecture Press.

32. Punter, J. (1991). Participation in the design of urban space. *Landscape design*, 200, 24-27.
33. Schulz, C. (1975). *Meaning in Western architecture*. New York: Rizzoli.
34. Steemers, K. (1994). Daylighting Design: Enhancing Energy Efficiency and Visual Quality. *Renewable Energy*. 5, 950-958.
35. Tregenza, P., & Wilson, M. (2011). *Daylighting. Architecture and lightening design*. London and New York: Routledge.



## The Quality of Meaning Perception in Daylight Spaces

*Somayeh Sadrykia*, Ph.D. Student of Architecture, School of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

*Mohammadreza Bemanian\**, Ph.D., Professor of Architecture, School of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

*Mojtaba Ansari, Ph.D.*, Associate Professor, School of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

### Abstract

Light has various forms and degrees which causes latent concepts. Light makes everything seem clear. It is also expressed as a transcendental concept in religion. Beyond this, light has a considerable role to play in designing architectural spaces and without it, neither space nor form and colour, are visible. In architectural spaces, natural light creates various qualities which leads to different meanings and concepts. It is a significant point that light has multi-dimensional aspects which influences human beings' perception. In other words light is not just a physical necessity but it has psychological and semantic value as an important and noticeable factor, and has affected human life. Therefore in Iranian architecture functional and conceptual approach to the subject of light, leads to creation of spiritual space in addition to functional ones. The multi-dimensional nature of light, reveals the necessity of taking attention to its physical and semantic aspects in different disciplines. This research aims to clarify, how the semantic quality of space by receiving daylight, is perceived. The research background shows that the semantic aspects of quality and its relevant parameters, have not been investigated adequately in preceding studies. Considering this, on the one hand and the importance of day light as a natural resource which improves semantic quality of space; on the other hand, provided adequate reason to propose a research which attempts to investigate how the daylight affects the semantic quality of space. The main assumption of this research is that reaching the spiritual light, can be achieved by use of physical light in a targeted way. Therefore, in this paper, a qualitative research methodology with an analytical-interpretational and logical reasoning approach was used to provide an appropriate framework for process of understanding the semantic quality of space using daylight. In order to achieve the considered goals, first, the light was studied in the Holy Qur'an to investigate its function and application in general from the Islamic point of view. Types and degrees of light were extracted and classified at this stage. Second, the levels of meanings, was studied. This study tried to identify the levels of human perception. Determining the levels of space meaning perception and finding its relation with light degrees, clarified the main fact of the study. It manifested that, each one of the light degrees is percept by one of meaning levels. In this process, one of Imam Ali's valuable expression, relating to this field, was used as an analytical and comparative tool. Consequently and based on previous findings shown in diagrams in the research process, a model of meaning perception, was proposed. This model reveals the quality of reaching spiritual light by the use of physical light. This approach to the subject introduces the light's role in response to the metaphysical needs of human as opposed to its functional ones. The proposed model can reduce the gap between a high-level conceptual approach to the light and its physical application in architectural spaces and, ultimately can indicate the quality of the space meaning perception.

**Keywords:** Quality, Perception, Meaning, Daylight, Space

\* Corresponding Author: Email: bemanian@modares.ac.ir